

دریاچه

اورمیه

بهر روز خاماچی

دبیر جغرافیای دبیرستانهای تبریز

قسمت هشتم

سنگ کاظم (کاظم داشی)

از نقاط تاریخی و دیدنی دریاچه اورمیه، مکانی است به نام کاظم داشی (سنگ کاظم) که در کنار قلعه گورچین در ۴۸ کیلومتری شمال شهر اورمیه قرار گرفته و تا ساحل دریاچه تقریباً یک کیلومتر فاصله دارد. نظر به سوابق تاریخی این سنگ و قلعه و آثار قدیمه آن، در کتاب تاریخ رضائیه شرح آن بدین قرار ارائه شده است: " ... سنگ کاظم خان در حال حاضر، صخره‌ای است با محوطه دیدنی که به صورت یک شبه جزیره، در عمیق‌ترین نقطه دریاچه واقع شده و موقعیت مهمی دارد و این محل در سابق به نام قرخلار (محل سکونت چهل نفر) و در قدیم به نام قلعه یکدر مشهور بوده است. " مؤلف و نویسنده کتاب تاریخ رضائیه سپس می‌نویسد: " ... خود نویسنده در سالهای فائله سمیتقو که مجبور به فرار شده و می‌خواستیم به تبریز رفته دور حجره‌ای که در سرای خامنه مراغه داشتیم مشغول شوم، ناچاراً با یکی دو نفر نوکر و بلدچی گیانه از شهر خارج شده و با هزار مصیبت و ترس به این محل آمدیم و در آن موقع، کاظم خان از افراد غیور قوشچی (گردنه و آبادی بین سلماس و اورمیه) عده‌ای از جوانان قرا قوشچی، قرماغ، گورچین قلعه را در این محل جمع‌آوری کرده و صخره مزبور را به صورت دژ جنگی درآورده و در دامنه کوه مزبور نیز دهی موقتی احداث کرده بود که از شهاجم اشراک سمیتقودرامان بهمانند، نویسنده کتاب (محمد تمدن) چند روزی مهمان کاظم خان شده و توانست از الطاف نامبرده بهره‌مند و از تمام اوضاع و زوایای این شبه جزیره از نزدیک آشنا شود.

در این شبه جزیره شوسه و جاده مانندی به عرض ۶۰ متر و طول تقریبی ۵۰۰ متر از وسط دریاچه می‌گذرد و به دامنه کوه می‌رسد

و دهکده موقتی را در کنار دامنه همان کوه بنا نمودند و دامنه آن جاده به طور طبیعی به طرف بالا ساخته شده و معلوم نیست ساخته دست بشر است یا اثر شگفت‌انگیز طبیعت. در هر حال این جاده سنگی هر قدر به سمت فوقانی کوه می‌رود کم‌کم مرض می‌شود به طوری که مرض آن در بالای کوه به ۶ متر می‌رسد. موقعیت خود این صخره عظیم و شبه جزیره کاظم‌داشی اعجاب‌انگیز و بسیار قابل تمعق و تأمل است، مشخصات قلعه کاظم‌داشی به این شرح است:

۱- در همین محل وقتی انسان به بالای کوه نگاه می‌کند، سنگ بزرگ کاملاً صاف و همواری به بلندی ۲۰۰ متر که به طور عمودی بالا رفته است دیده می‌شود و اگر به سمت پائین کوه نگاه شود باز هم یک سنگ صاف و یکپارچه دیده می‌شود که در ۲۰۰ متری دریاچه قرار گرفته است.

۲- در دالان این قلعه به جاده شش متری مکعبی شکل برخورد می‌شود که به طول ۲۰۰ متر به طرف عمق دریاچه منتهی شده و یکپارچه مسدود می‌شود و روی همین جاده شش متری به دستور کاظم پل انداخته بودند به طوری که اگر آن پل و تخته را برمی‌داشتند، ارتباط با صخره مزبور امکان ناپذیر می‌شد. معلوم نیست که عرض و طول این دالان کنده شده چقدر می‌باشد.

۳- در صخره کاظم خان در همین محل از ایام قدیم، قراولخانه محکمی درست کرده و درب قراولخانه را در وسط روی پایه سنگی از مرمر سفید قرار داده بودند و روی یکی از پایه‌های مرمری مزبور عبارت: (ابو نصر حسین بهادر خان حکمران ...) و روی پایه دیگر نیز عبارت: (الظفر علی‌الله السلطان الاعظم - الحطاط الحسین ...) را با خط زیبای نسخ حک کرده بودند.

۴- در قلعه مزبور آثار عمارت و ساختمانی متعدد از سنگهای بزرگ و تراشیده (در پی و بنا) به چشم می‌خورد و معلوم می‌شود که در گذشته، عمارت با شکوه و با منظره‌ای در آن جاها وجود داشته که بعداً از بین رفته‌اند.

۵- عده‌ای از سنگهای مرمر سفید براق و مخصوص سنگ تبر در محل قلعه دیده شد که روی آن سنگها عبارات مخصوصی به خط نسخ خیلی زیبا حک شده است و آن روزها که شرایط اوضاع و احوال مناسب و مساعد نبود امکان برداشتن یادداشت و نوشته ممکن و میسر نشد و بعدها در سال ۱۳۴۹ شمسی که برای عکسبرداری به آنجا رفتم از سنگهای مزبور آثاری ندیدم و وقتی از اهالی قرا مجاور تحقیق کردم معلوم شد سنگهای مرمرین حکاکی شده را خارجیها از آن محل خارج کرده و برده‌اند و حتی می‌گفتند سنگهای نوشته شده یکی از پایه‌های درب قراولخانه که باقی مانده بود در همانجا به دریاچه افتاده و اکنون نیز در ته و قعر دریاچه است.

۶- در قلعه مزبور چاهی وجود دارد که در قلعه کوه واقع شده که عرض آن ۲/۵ متر و طول آن ۲/۵ متر و عمق آن را در هفت و هشت متری طوری تسطیح کرده بودند که در مواقع بارش باران و برف

آب لازم در آن جمع گردد.

۷- غاری را دیدم که به شکل گنبد حمام‌های قدیمی در سمت غربی همان کوه قرار گرفته بود وسط آن از سنگ‌کنده شده (حصاری شده) و آب زلال قطره قطره از وسط طاق آن چکیده و در حوض داخل آن وارد می‌گردید و وقتی حوض پر می‌شد، آب اضافی آن از مجرای به دریا ریخته می‌شد. وسعت و بزرگی غار به قدری بود که دو بیست نفر به راحتی می‌توانستند جا به جا شوند.

۸- کاظم‌خان در این قلعه، ساختمانی دو طبقه ساخته و خود و خانواده‌اش در آنجا مقیم گردیده بود و کسی را اجازه ورود به آنجا نمی‌داد. این ساختمان در اوضاع طبیعی آن قلعه، انسان را به یاد تصور افسانه‌ای می‌انداخت. کاظم‌خان در این قلعه، حداثه‌خانه، تعمیرگاه، قایق‌سازی دایر کرده و به ساختن توپ سربر و باروت و فشنگ و غیره می‌پرداختند و بعضی از سنگهای مزاحم را به دستور کاظم‌خان با دینامیت و باروت، از بین برده بودند و حتی روی بعضی سنگها، خراشهایی وارد شده بود.

در آن موقع، این قلعه مرجع و پناهگاه وطن‌پرستان و مهاجرین بوده است و قبلاً "مردم اطراف آن، این قلعه را به مثابه زیارتگاهی، مقدس شمرده و شمع و نذری می‌آوردند. کاظم‌خان یک گلوله آهنی به من نشان داد که از زیرزمینی درآورده بودند و این می‌رساند که در زمان (وجنا' بن رواد و محمد بعیت) در زمان خلفای عباسی و با بعد از آن، قلعه مزبور به صورت دژی محکم و آباد بوده و مهاجمین آن به گلوله و توپ بستند."

۹- در انقلابات مسیحیان و اکراد سمیتقو، مردم این ناحیه با استفاده از قایقهای کاظم‌خان آذوقه و وسایل لازم خود و دیگران را، از بندر شرفخانه تأمین کرده و اغلب فراریانی که جانشان در

خطر بود به وسیله این قایقها به تبریز می‌رسانیدند.

۱۰- قلعه کاظم‌خان یا همان صخره مزبور که از یک پارچه سنگ کلفت به وجود آمده فقط یک درب دارد که به جاده سنگی که در بالا تصرف آن ذکر شد باز می‌شود و غیر از این درب، درب دیگری ندارد.

طبری ضمن نقل حوادث سالهای ۲۲۰ - ۲۲۲ هجری قمری چنین می‌نویسد:

"... محمد بن بعیت در کنار دریاچه دو قلعه دارد. یکی قلعه شاهی (جزیره شاهی) و دیگری قلعه یکدر... " و این گفته طبری درباره قلعه کاظم‌خان صدق می‌کند زیرا قلعه مزبور فقط یکدر یا یک دروازه دارد و باز هم معلوم می‌شود که این قلعه، سابقاً در تصرف محمد بن بعیت بوده است که زمانی هم قرخلار (چهل تن) نامیده شده و باز متحمل است که قسمتی از خرابی هولاکورا که از بغداد آورده بود در این قلعه پنهان نموده و قسمتی را در قلعه تل (جزیره شاهی - شاهوتلا) دفن کرده بودند.

طبق نوشته طبری و ابن مسکویه، حتی قبل از سال ۲۲۰ هجری قمری، شخصی به نام وجنا پسر رواد این قلعه را مالک بوده و بعداً قلعه مزبور به دست محمد بن بعیت افتاده است و در این مورد در موضوع جنگهای بابک چنین گفته‌اند:

"... وقتی که افشین به آذربادگان (آذربایجان) آمد، عصمت (فرمانده قشون بابک) به دروازه حصار شاهی (قلعه جزیره شاهی) رسید در این هنگام محمد بن بعیت، کوتوال (قلعه بان) آن حصار بود و بنا به عادت که داشت برای قشون عصمت آذوقه و علوفه فرستاد و ده تن از سران قشون عصمت را مسموم نمود و شب از نیمه می‌گذشت، وقتی آثار مستی در وجود ده تن نامبرده پدید

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

یکی از جزایر دریاچه اورمیه

جزیره صخره‌ای دریاچه اورمیه

(هوم) مرد پارسا دستگیر و به دلاوران کیه‌سرو شاه ایران خبر کرده و آنها نیز افراسیاب را با تمهید یک نقشه گرفته و به مجازات می‌رسانند.
ادامه دارد

یادداشتها

(در اینجا) مؤلف محترم کتاب تاریخ رضاشاه چهار اشتباه شده است زیرا در زمان و جنازه بن رواد و محمد بعیت که مقارن با سال ۲۲۰ هجری قمری می‌باشد هنوز توپ و گلوله وجود نداشته است.

منابع

- ۱- محمد تمدن، اوضاع ایران در جنگ اول یا تاریخ رضاشاه، ص ۲۰ تهران، ۱۳۵۰.
- ۲- محمد تمدن، تاریخ رضاشاه، ص ۲۴- تهران، ۱۳۵۰.



آمد به دستور محمد بن بعیت، آنها را گرفته و هرده تن را سر بریدند. با قوت حموی نیز از عداوتی از قایقرانان این قلعه (شبه جزیره) اسم می‌برد و می‌نویسد:

"... فی جبلها قلعة حصنة مشهورة، أهلها عصاة علی ولاية آذربایجان فی اکثر اوقاتها و ربما فرجوا فی سفینتهم و قطعوا علی السابکة و عادوا الی حصینتهم فلا یکون علیهم سبیل و قد رأیت هذا القلعة من بعد منداجتیازی به هذا الجیرة قاصداً الی الخراسان فی سنة ۶۱۷...".

ترجمه: "... در کوه آن دریاچه، قلعه محکمی وجود دارد که مشهور و معروف سکه آنجا بر علیه حکام آذربایجان اکثر اوقات قیام و مصیبت می‌کنند و بعضی اوقات از محل خودشان خارج می‌شوند، قافله‌ها را غارت می‌کنند و بعد به قلعه و مأمن خودشان می‌روند و دسترسی به آنان وجود ندارد و من این قلعه را وقتی که روبه‌رو محاذی آنجا شدم از دور محل مزبور را دیدم در آن موقعی که در سال ۶۱۷ می‌خواستم به خراسان اعزام شوم".

از اینجا معلوم می‌شود که با قوت حموی از سمت سلیمان آمده و به قوشچی رسیده و از آنجا که روبه روی با سنگ کاظم خان است، این قلعه را دیده (و به تحقیق اوضاع آن پرداخته) و به اورمیه رهسپار شده است. بنابراین سنگ کاظم خان (قلعه یا قریه ترخلار - قلعه یا جزیره بکدر) همان قلعه بکدر می‌باشد.

ابوالقاسم فردوسی حسانه‌سرای نامی ایران هم در موضوع پنهان شدن افراسیاب در یکی از غارهای دریاچه چهچست، ما را وادار به تحقیق محل مخفی‌گاه افراسیاب می‌کند و در این دریاچه غیر از قلعه کاظم خان، مخفی‌گاه و پناهگاه محکم وجود ندارد. پس معلوم می‌شود افراسیاب در همین قلعه پنهان شده بود که به وسیله